

چل‌های عشایری و روستایی ایران

■ نوشته: پرویز تناولی
■ انتشارات یساولی، ۱۳۷۷

● فضل‌الله حشمتی رضوی



مثلاً چه عیبی داشت برای جل اسبی که از مجموعه آرتور جنگیز واشنگتن دی سی تصویر آن در صفحه ۷۰ در کتاب انعکاس یافته است تصویر هم از نمودار بافت روش چاکدار (درزدار) که بافت جل مذکور از همین روش پیروی کرده است به شکل زیرین نمایش داده می‌شد.

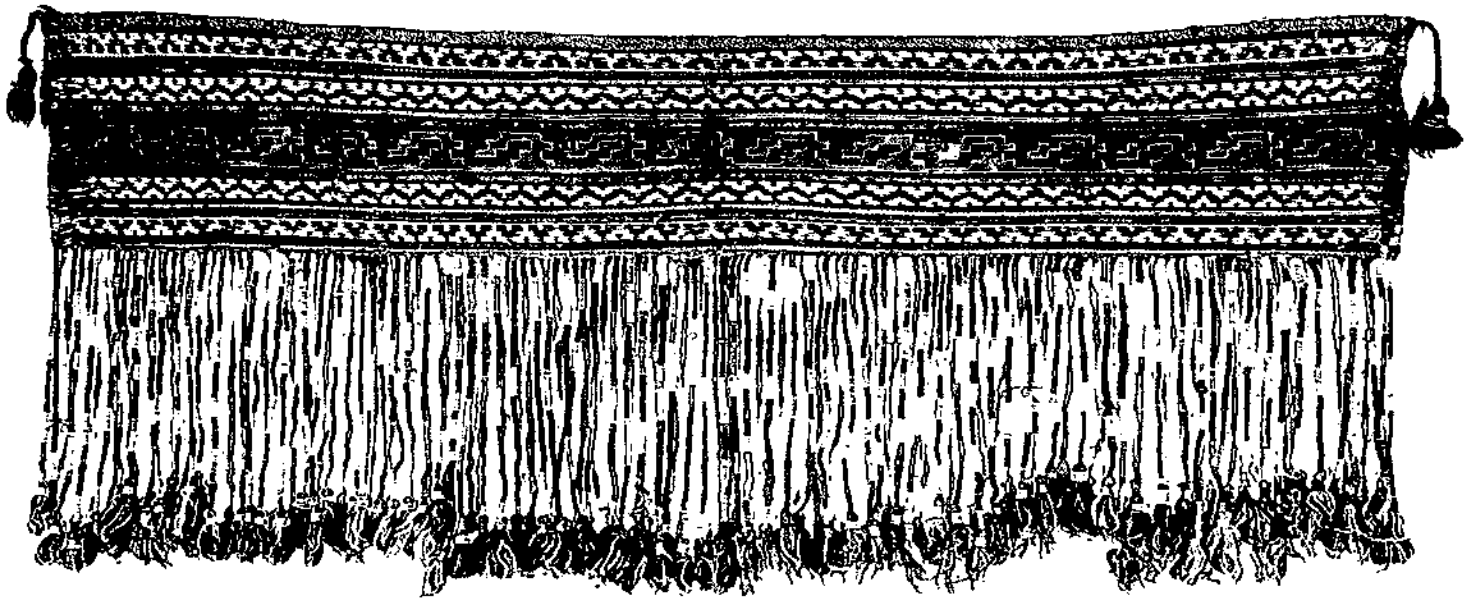
در این حالت، نه تنها خواننده عادی بلکه اهل فن هم تصویری از نمونه بافت در ذهن، خواهند داشت. این روزها، به خاطر چاپ کتابهای گونه‌گون درباره بافت فرش، نمونه بافت فرشهای مختلف اعم از گره متقارن و غیر متقارن تقریباً روشن شده است. مع الوصف خیلی از مؤلفان ترجیح می‌دهند قبل از به کار بردن این نوع گره‌ها، بافتار این گره‌ها را در حاشیه یا در قسمت دیگری از کتاب توضیح دهند و تصویر آن را منعکس نمایند. روشهای پیچباف، گلیمباف، جاجیمباف و... که بسیار ناشناخته‌تر از فرش هستند، محتاج توضیحات بیشتر و حتی مقدمات و مؤخرات دیگری است.

به باور نگارنده این سطور، حق بود مؤلف فرش‌شناس این کتاب، به نوعی طبقه‌بندی از دستبافته‌های جمع‌آوری شده (که پیداست با صرف وقت زیاد و حوصله این مجموعه فراهم آمده است) قایل به تفکیک و تعریف می‌شد و برای هر طبقه و نوع، چارچوبی در حوزه تعریف مشخص می‌کرد. این طبقه‌بندی می‌توانست و می‌تواند شامل موارد زیر هم که اساس کار این دستبافته‌هاست باشد:

اول - از نظر شیوه بافت:

کتاب که عنوان و منظور و هدف اصلی خود را توصیف و سرشناسه کردن بافته‌های مربوط به «چل‌های عشایری و روستایی ایران» قلمداد کرده است از ورود به امور بافت و مسایل و موارد آن که طبعاً مستلزم تشریح مواد اولیه و طرز تهیه و رسیدن و تاییدن آن در هر عشیره و طایفه و اسباب و دستگاه خاص بافندگی آن (از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین) همچنین فنون مختلفه چله‌کشی، بودکشی و بافتهای رایج هریک (به همراه شیوه‌های محلی) بروز و ظهور می‌یابند، غافل مانده است. ذکر اصطلاحاتی چون: گلیم‌باف، پیچ‌باف، جاجیم‌باف، پرزباف، گره‌باف، اریب‌باف در نمونه‌های مجموعه گرد آمده که در جمع به ۱۰۸ قطعه می‌رسد اعم از این که اصطلاحات مذکور به صورت تنها ذکر شده و یا با اوصافی مانند: متراکم، معکوس، متعارف، متناوب، تار معلق و جایگزین، جفت قلاب، تار اضافی، پود اضافی، دور اضافی و چاکدار ترکیب شده باشد، باید با تعریف شیوه‌ها و راه و رسم بافت و احیاناً توأم با تصویر نمودار بافت همراه باشد. صحبت از بافتار و اسکلت‌بندی درونی است که کتاب از شناسایی و تشریح علمی و به تصویر کشیدن آن بازمانده است.

مؤلف که از آگاهان دانش فرش‌شناسی است، قبلاً کتاب‌های: قالیچه‌های شیری، قالیچه‌های تصویری و نان و نمک را روانه بازار کرده است. تناولی در کتاب اخیرش که عنوان «چل‌های عشایری و روستایی ایران» را برای آن انتخاب کرده است، پس از ذکر پیشینه مفصلی راجع به اسب در ایران و انواع آن به آرایش اسب، ساز و برگ، ستام، یراق، کلگی، دهنه، رکاب، زین، تازیانه و پوشش‌های اسب از قبیل رواندازهای مرتبط با زین، جل، زینپوش می‌پردازد و در بخش دیگر کتاب از شتر و تزیینات آن و پوشش‌های روی آن از قبیل جل، زانوبند، پیش‌سینه، گردن‌بند، افسار، کلاه و پوزبند بحث می‌کند. قسمت پایانی کتاب اختصاص به معرفی ۱۰۸ قطعه دستبافته مربوط به اسب و شتر دارد که نویسنده زیر عکس، هریک فهرست‌وار مشخصات آنها را بیان می‌کند. در واقع، کتاب تا صفحه ۵۷ به مقدمات و ساز و برگ اسب می‌پردازد. از آن پس به پوشش‌ها و رواندازها که منظور اصلی کتاب است اشاره دارد. از این مقدار تا آخر کتاب فقط ۱۲ صفحه به پوشش‌های اسب و ۶ صفحه به پوشش‌های شتر مرتبط است. بقیه، یا عکس است یا مسایل دیگر که چندان با امور دستبافته‌ها بستگی ندارد. چه خوب بود در هریک از کانون‌های بافندگی این دستبافته‌ها: آیینها، راه و رسم‌ها، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، بازی‌ها، اعتقادات و باورها بیشتر مربوط به خود دستبافته‌ها مطرح می‌شد نه وسایل و مسایل اسب و شتر که طبیعی است خود، وادی و قلمروی دیگری است.



در روش گلیم‌باف در دستبافته‌ای چون جل اسب از دو عامل تار و پود تشکیل می‌شود و نقوش آن (اگر نقشی داشته باشد) توسط پود شکل گرفته و تار توسط پود کاملاً پوشیده شده است. گلیم‌باف می‌تواند انواعی داشته باشد، مثل: گلیم‌باف متصل جفت قلاب، گلیم‌باف چاکدار، گلیم‌باف متصل تک قلاب که توضیح هر یک را مطابق تصویری که اسکلت‌بندی هر گروه را روشن می‌سازد به سادگی توأم با شیوه کار بیان کرد. در روش پیچ‌باف که همان پیچش پود به دور تار گفته می‌شود ایجاد نقش بر سطح دستبافته توسط پودگذاری اضافی حاصل می‌شود و تار و پود هر دو پوشیده هستند. پود اضافی که پود اصلی خوانده می‌شود مانند پود گلیم به صورت ساده از میان تارها عبور نمی‌کند بلکه به دور تار، حرکت پیچشی و غیر منقطع دارد.

پیچ‌باف هم مانند گلیم‌باف انواعی دارد، چون: پیچ‌باف معکوس، پیچ‌باف متخاصم با پود اضافی، پیچ‌باف گره دار با پود اضافی که همراه تصویر و توضیحات مربوط به هریک آورده می‌شود. در روش جاجیم‌باف معمولاً کمتر نقشی دیده می‌شود، تنها بافنده با تغییر رنگ تارها در موقع چله کشی طرح راه راه را در طول دستباف ایجاد می‌کند. روش جاجیم‌باف براساس یک روش ساده دو - وردی است یعنی کار بافت در دو مرحله انجام می‌گیرد. مرحله اول، تارهای رو، بالا قرار گرفته و پود از بین چله عبور می‌کند و مرحله دوم، تارهای زیر، بالا قرار می‌گیرد و پود از میان چله عبور می‌کند. البته اگر در جاجیم‌باف نقش هم اضافه شود باید برای ایجاد هر نقش چله کشی خاص انجام شود. در روش پرزیباف با گره متقارن و غیر متقارن روشن است چیزی شبیه قالی است و داستان یا روشهای دیگر فرق می‌کند و همین طور سایر روشهای بافت.

دوم - از نظر نقش و نگار:

نگاره و نقشمایه جلها، روزینی‌ها و روکپلی‌ها می‌تواند در یکی از گروههای زیرین قرار گیرد:
الف - خط و زاویه: مانند، زیگزاک، طرحهای جناغی، لوزی‌های متقاطع و...
ب - تکرار شونده: مانند، گل، پوته، غنچه، ستاره و...

پ - حیوانات: مانند، بز، خروس، سگ، عقاب، طاووس و...

ت - راه، راه: خطوط موازی که بیشتر در جاجیم‌باف دیده می‌شود. نوعی محرمانه.

ث - متفرقه: فرمهای ساده شده ازدها، طرحهای شقه شده، حروف و علامت‌ها و...

بدیهی است در طبقه‌بندی طرح و نقش این جلها می‌توان به سادگی، پرکاری و پیچیدگی تزئین طرح و همچنین برخی از آنها به قرینه دادن از دو جهت یا قرینه بودن از چهار جهت آنان پی برد و هریک را در گروه خود ذکر کرد.

سوم - از نظر مواد تشکیل‌دهنده:

در دستبافته‌هایی چون جل اسب اکثر مواد تشکیل‌دهنده آن، پشم و نخ پنبه است و به ندرت ابریشم در آن به کار رفته است. نکته قابل اشاره در این مورد، این است که پشم گوسفندان اغلب ایلات و عشایر ایران که به بافت این جلها اختصاص می‌یابد از نوع «هتروتیب» است و کیفیت مزبور از جمله خواص اثری این گوسفندان درآمده است. توضیح اینکه، در طول تارهای هتروتیب یا چند شکلی به طور متناوب را دارد و قسمتی ضخیم تر و دارای کانال است. در همین تارهای پشم ضخیم فاقد تجعد است که از استحکام ویژه‌ای برخوردار است و پشم را برای دستبافته‌هایی ضخیم چون جل اسب و روزینی مناسب و مهیا می‌کند. در حالی که پشم گوسفندانی نظیر مریئوس از نوع ظریف بوده و خاصیت هتروتیبی ندارد و برای بافت چنین دستبافته‌هایی مناسب نیست.

چهارم - از نظر رنگ:

مسئله بعدی که در کتاب به سکوت برگزار شده استفاده از رنگهای طبیعی و شیمیایی است. رنگ‌آمیزی این دستبافته‌ها به روش سنتی در میان ایلات و عشایر ایران سابقه دیرین دارد. این مردم کوشا، با ابتدایی‌ترین وسایل و ابزار کار، خود و خانواده‌شان را به تلاش برای به دست آوردن مواد رنگین طبیعی برانگیخته‌اند. استقرار عشایر و روستاییان در محیط جغرافیایی گسترده امکان استفاده از گیاهان رنگدار را برای آنان میسر کرده است.

افسوس که دامنه گسترش رنگ‌های شیمیایی جوهری، در سده اخیر حتی در روستا و در دورترین شبکه ایل نشین مملکت رسوخ پیدا کرده و دستبافته‌ها را به دلیل ارزانی قیمت رنگهای جوهری، رنگین نموده است. ولی هستند گروههایی از عشایر و روستاییانی که هنوز استفاده از مواد رنگین گیاهی را کنار نگذاشته‌اند و تمام فرآورده‌های خود را اعم از قالی، گلیم، ورنی، مسند، جاجیم، مفرش، گبه، سفره، رختخواب پیچ، روزینی، نمکدان، خورجین، جُوال، جُل و غیره را از رنگهای طبیعی و گیاهی استفاده می‌کنند. این موارد را باید معلوم کرد و قابل تأمل دانست.

همه این طبقه‌بندی‌های ساختاری و دسته‌بندی‌های فرایندی که لازمه علمی کار است به کنار، مسأله مهم که کتاب از آن رنج می‌برد فقدان فرهنگنامه یا اصطلاحنامه در این کتاب است. عجیب است مؤلفی که خود در کتاب قبلی‌اش (نان و نمک، نشر ۱۳۷۰، ص ۶۳) اشاره می‌کند: «... هرچه فرشبافی در کشور ما غنی و متنوع است برعکس اصطلاحات مربوط به آن محدود و ناچیز می‌باشد. بی توجهی گذشتگان در مورد ثبت اصطلاحات و واژه‌های بافندگی باعث شده تا برای دهها نوع بافت در این سرزمین دو یا سه واژه بیشتر وجود نداشته باشد. بیش از سی نوع بافت را خیرگان فرش، «گلیم» می‌نامند که تنها یکی دو نوع آن گلیم است و به دهها بافت دیگر سوزنی می‌گویند که هیچکدام سوزنی نیست...» معلوم نیست چرا اصطلاحات به کار رفته در کتاب را با آنکه خود به تعریف و تبیین آن معترف و معتقد است چنین بی‌مهابا، رها کرده است. بهرحال تکلیف این واژه‌ها به خصوص انواع روشهای بافت که قسمتی از اسامی آنها در همین نوشتار ذکر شد چیست؟ آیا مؤلف کتاب، معتقد است فرد دیگری برای کتاب او باید فرهنگنامه بنویسد. به راستی، موضوع چیست؟

از این نقطه نظرها که بگذریم، کتاب با نگارشی روان، چاپی تمیز، تصویرهایی روشن و منابع دست اول و غنی همراه است که در مجموع کتاب را خواندنی کرده است. □